

سیاست روسیه در ایران

- ۳ -

در شمارهٔ پیش شمه‌ای راجع به سیاست اقتصادی روسیه در ایران بیان کردیم. اینک در تممیم آن سطری چند اضافه نموده سپس مداخلات سیاسی، تصرفات نظامی و مظالم حکومت تزاری را در ایران شرح میدهم. بعضی از خوانندگان سؤال کرده بودند چرا تاریخها را بسال میلادی مینویسیم. توضیحاً آنکه چون اغلب مطالعات ما در اینموضوع در کتب و مجلات اروپائی است بعلاوه بعضی از تاریخها مثل ۱۹۰۷ و ۱۹۱۹ مشهور شده لذا تمام را بتاریخ میلادی ضبط کردیم تا مطلب از تهیل نیفتد.

| | |
|---------------|--|
| نفوذاقتصادی | برای رواج تجارت خود روسها بعضی از |
| و | راههای ایرانرا تسطیح نمودند، از جمله |
| سیاست تجارتنی | راه آهن جلفا - تبریز - درباچه ارومیه و راه |

شوسه اتزلی - رشت - طهران . یکی از نویسندگان فرانسوی می نویسد که این راهها پر بود از سنگهای علامت دار و تخته های اعلان روسی ، نظارت و راهداری روس ، گاریهای روسی ، و در حقیقت دنبالهٔ خطوط کشتی - رانی بادکوبه و هشر خان در خاک ایران بود . در این راه حکومت روسیه نسبت بمالالتجاره داخلی خود همان مساعدتها و معافیتها و همان جایزهای اقتصادی را مراعات میکرد که در ممالک خود معمول داشت . بعلاوه تقریباً این راهها را بمالالتجاره خود انحصار داده بود تا از رقابت امتعهٔ اروپائی مصون باشد . روسها امتیاز راه تبریز - قزوین را نیز گرفته بودند . راه دیگری میبایست از عشق آباد بمشهد ساخته شود نقشهٔ يك راه آهن عمده نیز کشیده شده بود که قفقاز و بحر خزر را از راه رشت -

طهران - اصفهان - شیراز به بندر عباس و خلیج فارس وصل نماید. در پیش بینی این احتمال پروفیسور دکتر (برون اوfer) (۱) معلم دارالعلوم سن پترزبورغ در سال ۱۸۹۵ تصرف بندر عباس را بحکومت روسیه توصیه کرده بود. این نقشه بزرگ میبایست تا سال ۱۹۰۱ کاملاً انجام یافته باشد، ولی بواسطه نبودن سرمایه کافی و موانع دیگر عملی نگردید. ما شرح آنرا موقع دیگر بیان خواهیم کرد.

همانطور که روسها میخواستند بوسیله بانک استقراضی امور مالی ایران را بدست خود اداره کنند همینطور هم میخواستند که ساختمان راههای ایران منحصر بآنها باشد. بموجب یک معاهده مخفی که در سال ۱۸۹۴ با مزارسیده و در سال ۱۹۰۰ تجدید شده بود شاه بروسها اطمینان داده بود که مدت ده سال امتیاز راه باجانب نخواهد داد و خود ایران نیز مبادرت بساختن راهی نخواهد کرد.

از طرف دیگر انحصار کشتی رانی بحر خزر و دریاچه ارومیه نیز حق آنها بود، حتی کشتیهایشان بخلیج فارس نیز آمد و شد مینمود.

غیر از امتیاز طرق بگرفتن امتیازات دیگر از قبیل معادن، جنگلها، خطوط تلگراف، شیلات و غیره نیز موفق شده بودند که شرح تمام آنها باعث تطویل کلام و تصدیع خوانندگان خواهد بود. نفوذ اقتصادی آنها منحصر بگرفتن این امتیازات نبود، بلکه بوسیله تجارت نیز پیشرفت کامل نمودند. شهرهای عمده ایران مثل تبریز و مشهد و طهران در حقیقت انبارهای مال التجاره روسیه شده بود. از لحاظ تجارتی انگلیسها همه جا در بازارهای شمالی بلکه مرکزی ایران شکست خوردند و حتی در جنوب هم که انحصار مطلق داشتند در برابر تهاجم اقتصادی روس مجبور بعقب نشینی شدند. از سال ۱۸۹۰ تا ۱۹۰۰ تجارت روسیه با ایران دو برابر و از ۱۹۰۱ تا ۱۹۱۳ سه برابر گردید بطوری که ۶۲ درصد

(۱) Brunofar

از تجارت ایران با روسیه بود و مجموع واردات و صادرات روسیه و ایران دو برابر انگلیس و ایران گردید!
تفصیل و علل آنرا در مقاله دیگری بعداً شرح میدهیم.



مداخلات سیاسی و تصرفات نظامی

مخالفت با مشروطه در ایران
در سنوات اخیر سلطنت مظفرالدین شاه
نفوذ صلح جویانه سیاسی و اقتصادی روسیه
در ایران کامل شده و طوری بود که يك تغییر وضع یعنی بازگشتی بطرف
سیاست اصلی و اولی که رویه معتدرا نه و زورگوئی و مداخلات نظامی
و سیاسی باشد غیر قابل اجتناب بنظر میآید. اتفاقات و حوادث هم از
همه طرف روی آور شدند. يك « انقلاب » بدون خونریزی مظفرالدین شاه
را که در حال نزاع بود بدادن فرمان مشروطیت در سال ۱۹۰۶ مجبور
کرد، همان سال در پس پرده دیپلماسی نقشه قرار داد انگلیس و روس
۱۹۰۷ راجع بتقسیم ایران بمناطق نفوذ در کار کشیده شدن بود. این
دو اتفاق مهم، یکی تغییر « رژیم » در ایران و دیگری کنار آمدن انگلیسها
با روسها در سر مسئله ایران و افغانستان و تبت، انعکاس و اثر خود را
نسبت بسیاست روسیه در ایران داشت. تغییر رژیم ایران بدو ملاحظه
موافق سلیقه روسها نبود: یکی آنکه مشروطیت ایران را ساخت انگلیس
میدانستند و دیگر آنکه مایل نبودند در همسایگی آنها دولت مشروطه
باشد. از این ببعد حکومت روسیه رویه صلح و مسالمت را رها کرده سیاست
خشونت و سختی را تجدید کرد. پلتيك تازه روسها را شاه جدید ایران
محمد علی که یکنفر مستبد مرتجع درجه اول بود تقویت میکرد. حتی سرادوار
گری وزیر خارجه انگلیس نیز نظر بمصالحتی با نظر اغماض سیاست تازه

آنها تماشاجی بود. رژیم مشروطیت که اینگونه در ابتدای تأسیس در میان فشار خارجی و داخلی واقع شده از همان اول محکوم بعدم پیشرفت و استحکام بود.

در همان اوایل مشروطیت ایران حزب «امپریالیست» روسیه مسبب تشکیل يك کمیسیون مخصوص برای نظارت در امور ایران شد. این کمیسیون مرکب بود از رئیس الوزراء روسیه، وزراء امور خارجه، مالیه، جنگ و بحریه، رئیس ارکان حرب کل قشون بری و رئیس ارکان حرب بحریه و معاون وزارت امور خارجه. بعلاوه نایب السلطنه قفقازیه سفرای روسیه مقیم لندن و اسلامبول و وزیر مختار روس در بارطهران و قنصل ژنرال روس در تبریز هر وقت در پایتخت روسیه بودند حق شرکت در این کمیسیون داشتند. مواد عمده قرار داد ۱۹۰۷ آنچه مربوط بروسیه است در این کمیسیون تهیه شده.

بنا باقرارهای خودشان که در کتابهای تاریخی وزارت خارجه روسیه مندرج است روسها رژیم تازه ایرانرا مخالف «منافع سیاسی و حتی اصول سیاست خود در ایران» میدانستند. در حقیقت هم پارلمان ایران در ابتدای امر يك تصمیم خیلی جدی گرفته بود که روسها آنرا لابد مخالف منافع و اصول سیاست خود تشخیص دادند و آن اینکه با يك اکثریت زیاد پیشنهاد دولت را در گرفتن قرضه ای از روسیه و انگلیس مضر از برای استقلال مملکت دانسته رد نموده بود و تصمیم دیگری باتفاق آراء گرفته شد که بجای قرضه خارجی استقراض داخلی بشود. بنا بر این روسها پیش بینی میکردند که مجلس ایران هرگز يك آلت بی اراده مطیعى در دست آنها نخواهد شد که مثل شاه و کابینه او بتوانند با آن بازی کنند و آمال خود را بهمان آسانی تحمیل نمایند. این بود که از همان اول بنای مخالفت گذاشته و در تخریب آن بهیچوجه فروگذار نمودند.



| | |
|-------------------------------------|---------------|
| بعد از بسته شدن قرار داد ۱۹۰۷ نفوذ | کلنل لیا خوف |
| روسها در ایران رو باز دیاد گذاشت. | و |
| در قسمت شمالی دیگر خود را مجاز و | توپ بستن مجلس |
| مختار هر گونه اقدام دانستند . ابتدا | |

محمد علی شاه با موافقت آنها تهیه لودتائی کرد و کلنل لیا خوف روسی فرمانده بریکاد قزاق ایران مجلس را بتوپ بست . بموجب انتشارات (مانوف) مخبر روزنامه روسی « ریچ » بعدها بطور محقق معلوم گردید که دولت روسیه در بمباردمان مجلس شرکت داشته است .

پس از توپ بستن مجلس در سر تا سر ایران مخصوصاً آذربایجان انقلاب شد . قشون محمد علی تبریز را محاصره کردند و موقعی رسید که هیچ آذوقه در آن شهر پیدا نمیشد . بیهانه و عنوان وارد کردن آذوقه و حمایت قنسولخانها و اتباع خارجه در ۲۹ آوریل ۱۹۰۹ يك دسته از قوای روس وارد تبریز شدند .

دولت روسیه اطمینان رسمی داد که قشون روس فقط تا زمانی خواهد ماند که امنیت جان و مال قنسولخانه ها و اتباع روسیه و خارجه حضور آنها را ایجاب نماید . این اطمینانهای دروغی را برای آن داده بودند که افکار ایرانیان و اروپا را آرام کنند . معهذا مطبوعات روسیه نظریات واقعی حکومت تزاری را مخفی نمیداشتند . موقعیکه قشونشان از رود ارس عبور کرده بطرف تبریز پیش میآمد يك قسمت از آب مطبوعات نوشتند که روسیه در آذربایجان « حقوق تاریخی » دارد!...

لابد اشاره بآمدن سابق خود بآذربایجان زمان جنگهای اخیر ایران و روس و گرفتن تبریز میباشد . و آن (تصرف عدوانی) را از برای خود «حق تاریخی» فرض میکردند!



فتح مشروطه خواهان بهر حال موقعی که روسها قشون
و به تبریز وارد کردند مشروطه خواهان
خلع شاه از رشت و اصفهان بخيال حمله به
مرکز و خلع محمد علی شاه بودند. روسها بنای تهدید بملیون را گذاشته
و در بادکوبه دسته جات اعزامی بطرف ایران جمع آوری کردند .
ولی مشروطه خواهان علی رغم این تهدیدات رو بمرکز پیش آمدند
(عمده قوای شاه همان قزاقان ایرانی در تحت ریاست صاحبمنصبان
روسی مخصوصاً کلنل لیا خوف معروف بود .) در این ضمن قشون جدید
روس وارد ایران میشد ۲۰۰۰ نفر آنها بقزوين رسیده بودند . سفارت
روس پیغام داد که اگر باز بطرف مرکز پیش آیند روسها مداخله
خواهند نمود . ولی این تهدیدات اثری نکرده دو قوه مشروطه خواهان
شمال و جنوب توأمآ وارد طهران شدند و شاه در سفارت بیلاقی روس
در زرگنده متحصن شد ، اما بالای در سفارت بیرق روس و انگلیس
توأمآ افراشته شد . گویا بملاحظه قرار داد ۱۹۰۷ بود ! خلاصه محمد
علی شاه خلع و فرزندش احمد علی میرزا بجای او معین گردید . باید
این نکته را در نظر گرفت که ملیون و مشروطه خواهان در جنگ
خود با محمد علی میرزا که متکی بروسیه بود استفاده از حمایت معنوی
انگلیسها میکردند . شکی نمیتوان داشت که در زمان مشروطیت ایران
رقابت روس و انگلیس شکل جدیدی بخود گرفته و بواسطه حمایت از
مستبدین یا مشروطه خواهان جلوه مینمود . انگلیسها طرفدار مشروطه
و روسها حامی استبداد و ارتجاع و محمد علی میرزا بودند .



بعد از توپ بستن بمجلس يك قسمت از قوای مخالف استبداد
در جنوب مخصوصاً بختیاری تهیه شد . حاجی علی قلی خان سردار اسعد

که در فرنگستان بود از راه هند و بختیاری باصفهان آمد و حتی در عرض راه، در هندوستان مثلاً، بطور علنی برای خیال خود تبلیغ مینمود و اعانه جمع میکرد. (۱)

بعید نیست که نقشه کار را انگلیسها تهیه کرده و آنها سردار اسعد را بایران گسیل داشته بودند. علت همراهی آنها هم بمشروطه خواهان معلوم است؛ چه محمد علی میرزا کاملاً تحت نفوذ روسها بود و هر چه میل آنها بود انجام میداد. بعلاوه میدانیم که بیرق «انقلاب مشروطه» ایران هم ابتدا در سفارت انگلیس برپا شد...

خلاصه پس از تحصن محمد علی میرزادر سفارت روس بین سفارتین و حکومت جدید ایران قرار نامه ای در ۲۵ اوت ۱۹۰۹ امضا گردید.

بموجب ماده (۱۱) آن نمایندگان روس و انگلیس متعهد بودند که شاه مخلوع را از هر گونه تحریکات سیاسی بر ضد ایران باز دارند و حکومت روسیه مخصوصاً وعده میداد تدابیر مؤثره اتخاذ نماید که وی با اقدامات و تحریکاتی بر خلاف حکومت ایران نائل نگردد و اگر از روسیه حرکت کرد و بتصدیق سفارتین ثابت شد که از يك مملکت دیگر بر علیه ایران مشغول اقداماتی شده است حکومت ایران حق خواهد داشت که مستمری او را قطع نماید.

بعد از این قرار نامه شاه مخلوع بعزم روسیه از ایران حرکت کرد...

راست است که حامی سیاست و حمایت شده سیاست آنها محمد علی خلع و تبعید شد، ولی آنها از مقاصد مرتجعانه دست نکشیدند، بلکه يك عده از شهرهای ایران در تصرف نظامی آنها بود و سائل عملی و مؤثری برای تحمیل منظورهای خود باین مملکت داشتند. از يك طرف اغتشاشاتی بوسیله «اگنتها» و حمایت شدگان خود در نقاط مختلفه تولید میکردند

(۱) آن موقع نگارنده خود در بمبئی و شاهد قضیه بودم

و از طرف دیگر عدم امنیت اتباع خود را بهانه کرده دستجات جدید قشون بایران میفرستادند و نقاط دیگر از خاک ایران را تصرف مینمودند. سفارت و قنصل خانه های روسیه پناهگاه مرتجعین و جنایتکاران شده بود. نه تنها تصرفات نظامی و مداخلات سیاسی آنها غیر لازم و مخالف حق و عدالت بود بلکه اتفاقات شومی که بواسطه این مداخلات روی میداد بی اندازه اسباب بد بختی این مملکت بود .



| | |
|----------------|--|
| ارتجاع محمدعلی | همان موقع که روسها بواسطه تحریکات خود |
| میرزا بانکاء | کانونهای فساد و اغتشاش رادر ایران بوسیله |
| روسه | اتباع و حمایت شدگان خود از قبیل رحیم |

خان 'داراب میرزا و غیره روشن نگاه میداشتند شاه مخلوع نیز باطلاع و میل آنها علی رغم تمهیدات قرار نامه ۲۵ اوت ۱۹۰۹ تهیه کودتای جدید میدید .

از ادسه که محل اقامت او بود حرکت کرده بیهانه علت مزاج و برای معالجه بنای مسافرت در اروپا گذاشت. در وینه با یکی از نمایندگان سیاسی روس ، که گویا همان هار تویک سفیر سابق روسیه در طهران موقع 'توب بستن مجلس باشد و در آن موقع وزیر مختار در دربار صربستان بود. ملاقات کرده و توسط او استدعای کمک و معاونت از حکومت امپراطوری نمود ، دیپلمات مذکور در جواب وی گفته بوده است : « میدان از برای شما باز است . اگر ما کاری از برای شما نتوانیم بکنیم اقدامی هم برخلاف شما نخواهیم کرد . . . اگر گمان میکنید ثانیاً بتوانید بتخت و تاج ایران نائل شوید عقب آن بروید . »

در اکتبر سال ۱۹۱۰ دولت ایران مراسلاتی که شاه مخلوع بارؤسای ترکمن برای دعوت آنها به همراهی خود رد و بدل مینمود بدست آورد و از خیالات او مسبوق گردید . سفارتین را مطلع نمود که مطابق

ماده ۱۱ قرار نامه ۲۵ اوت ۱۹۰۹ خیال دارد موقه پرداخت مستمری او را بتعویق اندازد. سفارتین نه تنها این نظریه صحیح قانونی را نپذیرفتند بلکه گماشتگان سفارت را با لباس رسمی بنحو توهین آمیزی در خیابان ها عقب سر وزیر خارجه ایران (حسینقلی خان نواب) انداخته و حتی پشت درب خانه شخصی او توقف داده تا اینکه پولرا گرفتند

یکماه بعد از این بی احترامی سفارت روس از همین وزیر خارجه تقاضا داشت رسماً معذرت از توهینی بخواهد که مدعی بود در یکی از شهرهای ایران نسبت بیک نفر تبعه ایران که سمت نمایندگی قنصلگری روس را داشته وارد آمده است ! . . .

بهر تقدیر ، در این موقع شاه سابق در اروپا مسافرت میکرد و از راه روسیه که برای عبور مال التجاره بسمت ایران تقریباً بسته بود، آلات و ادوات جنگی با اسم آب معدنی میفرستاد. پس از آن خودش با ریش مصنوعی و تذکره غلطی با اسم خلیل تاجر بغدادی در روسیه مسافرت کرده از یکی از بنادر روس در کشتی روسی سوار شده بجانب ایران آمد. بموجب اطلاعاتی که دولت ایران از منابع موثقه اخذ کرده بود صاحب منصبان بحریه روس تا سر حد ایران به همراه شاه مخلوع بودند ، از طرف دیگر ، ده روز قبل از ورود محمد علی میرزا بخاک ایران سفیر روس در موقع يك ناهار رسمی پیش گوئی کرده بود که تا چند هفته دیگر رژیم مشروطیت در طهران وجود نخواهد داشت ! . . .

محمد علی میرزا با ترا کمه بطرف طهران حمله آورد. در این هنگام حکومت ایران از دولتین روس وانگلیس خواهش کرد دوستانه مداخله نموده غائله را بر طرف نمایند. اما اینها که هر موقع و بی موقع دائماً در امور داخلی ایران مداخله مینمودند این نوبت سیاست عدم مداخله و بیطرفی را دست آویز کردند ! حال باید دید که روسها

چگونه این « بیطرفی » و « عدم مداخله » را تعبیر نمودند .

بدواً باید گفت که دوائر رسمی روس با مسرت کامل ورود محمد علی را بایران تلقی کردند . قنسولها و حتی وزیر مختار روس تمایل خود را نسبت بشاه مخلوع مخفی نداشته همه جا راست و دروغ خبر ورود او را بایران و پیشرفتهای ویرا منتشر مینمودند . . . از همه غریب تر واقعهٔ ذیل است که سوء اخلاق بین المللی را نشان میدهد :

در موقع يك ناهار رسمی که در میانهٔ مدعوین وزیر مختار انگلیس ، وزیر مختار روس ، مخبر روزنامهٔ تیمس و مستر شوستر امریکائی خزانه دار ایران هم حضور داشتند وزیر مختار روس در محضر عمومی فتح و غلبهٔ شاه مخلوع را پیش بینی کرد . هنگامی که باشوستر در گوشه‌ای تنها شدند وزیر مختار از عدم قابلیت حکومت ایران صحبت راند و صراحتاً از شوستر سؤال کرد آیا بعد از استقرار محمد علی میرزا بتخت سلطنت مایل خواهد بود که در خدمت ایران و بکار سابق خود یا وزارت (!) با اختیارات تامه بماند یا نه در صورتیکه مایل بماندن باشد سفیر باو اطمینان داد که حکومت روسیه از هیچ گونه همراهی نسبت باو دریغ نخواهد داشت و کاملاً اجر خواهد یافت . خود شوستر در کتاب « اختناق ایران » اقرار باین مسئله میکند و اضافه مینماید که مقصود از این بیانات و پیشنهاد ها این بود که فعالیت او را در این موقع دچار تزلزل نمایند . در حقیقت شوستر که خزانه دار بود و ایران نسبت باو نظر اعتماد داشت در جنگ داخلی تابستان ۱۹۱۱ مثل يك نفر ایرانی وطن پرست فعال بود . بقول يك نفر نویسندهٔ آلمانی ، او ، یفرم ارمنی ، ماژراستکس انگلیسی ، کلنل مریل امریکائی و حازه آلمانی يك نوع شورای نظامی تشکیل داده بودند .

بهر حال با وجود اینکه محمد علی میرزا را روسها همه گونه حمایت مینمودند از طرف قوای دولتی و ملی شکست خورده مجبور

بفرار و پناهندهٔ بیک کشتی روسی که در بحر خزر انتظار او را داشت گردید و بروسیه عودت نمود. میتوان حدس زد که روسها تا چه پایه از این پیش آمد متأثر شدند. احتمال داده شده ~~که~~ يك قرار داد مخفی بین روسیه و محمد علی میرزا وجود داشته که در صورت فتح شاه مخلوع ایالات آذربایجان و تمام سواحل ایران را در بحر خزر بروسیه واگذار کند.

مصادف با این وقایع و بعد از آنها حوادث دیگری در ایران رخ داد که ذیلا از نظر خوانندگان محترم میگذرد.



| | |
|------------------------------------|----------------|
| دولت ایران در سال ۱۹۱۰ برای تنظیم | شوستر امریکائی |
| و ادارهٔ مالیهٔ خود چند نفر مستشار | و |
| از دول متحدهٔ امریکای شمالی طلبید. | سیاست روسیه |

روسها از همان اول امر ناراضی از این اقدام ایران بودند. شاید میترسیدند که امریکائیا بکار سیاست انگلیس بخورند یا اگر هم چنین نباشد لا اقل مثل بلژیکی ها آلت اجرای مقاصد روسیه نگردند. در هر حال تصور این که این امریکائیا مالیه ایران را منظم کنند بهیچوجه برای روسها گوارا نبود.

خلاصه حکومت دول متحده خواهش ایران را پذیرفت و در اوایل سال ۱۹۱۱ يك عده از مستخدمین امریکائی بریاست مستر شوستر بسمت خزانه دار کل ایران، وارد طهران شدند. بمحض ورود شوستر مشغول کار شد و فعالیت زیادی در همان ابتدای امر نشان داد. يك لایحهٔ قانونی برای تمرکز عایدات دولت تهیه کرد و بمجلس تقدیم و قبول شد. گویا از این قانون به «منافع خصوصی» بعضی از دول اروپائی صدمه میرسید. وزیر مختار روس ابلاغ نمود که مستخدمین بلژیکی گمرکات ایران

نباید تحت نظارت خزانه دار کل واقع شوند . سفارت بلژیک نیز تعرض نامه‌ای بهمین مفاد برای حکومت ایران فرستاد . وزیر مختار روس حتی تهدید کرد که در صورت مخالفت با این نظریه روسها گمرکات شمالی را تصرف خواهند کرد . . . از همین جا معلوم میشود که بلژیکیها کاملاً طرف اعتماد و توجه روسیه بودند .

روسها صریحاً گفتند که اگر مرنارد بلژیکی رئیس گمرکات برود مستخدمین روسی بجای او بدولت ایران تحمیل خواهند نمود .

بعضی از سفارتخانه های دیگر، مخصوصاً آلمان ، ایتالیا و فرانسه نیز اعتراض نامه بوزارت خارجه فرستادند . غالب این یاد داشت ها با لحن شدید و خارج از ادب انشاء شده بود . . .

« منافع خصوصی » دول چه بود که این گونه خود را مجاز بمداخله در امور داخلی ایران میدانستند ؟ چیزهای جزئی ، بهانه گیری و خوش آمدگویی بروسیه ! مثلاً حرف آلمان عبارت از شش هزار تومانی بود که سالیانه دولت ایران بیک مدرسه و مریضخانه آلمانی کمک میکرد . مستر شوستر این همراهی مالی ایران را بمؤسسه های آلمانی در طهران در کتاب خود این طور توصیف میکند : « کمک خرجی که یکی از قویترین و غنی ترین دول اروپا از دولت فقیر ایران میخواهد » مدرک ایتالیا مستمری یک صاحب منصب پیر ایتالیائی است که بعنوان « مستشار نظامی » خدمت ایران است و بقول شوستر کار این آقا فقط این است که تمام اوقات روی یک صندلی راحتی بگذراند . اما فرانسوی ها دلال های سیاست در ایران . . . آن ها هم گویا درد تعصب اتحاد روسیه را داشتند !

البته این ها تمام بهانه بود . وقتی که شخص بخاطر می آورد یک سال قبل از این تاریخ در پتسدام میان تسار روسیه و قیصر آلمان ملاقاتی شد و قرار دادی بین دولتین روس و آلمان در سر مسائل

ایران و عثمانی بسته شد و هنگامی که « واقعهٔ آگادیر » (۱) و مناقشات آلمان و فرانسه بخاطر میگذرد و یا موقعی که شخص بیادمی آورد سیاست ایتالیا را که جنگ با عثمانی و تسخیر طرابلس غرب را تهیه میدید آن وقت واضح میشود که این دول در پس پردهٔ آن « منافع خصوصی در ایران » « منافع خصوصی » دیگری در دنیا داشته‌اند که محتاج بکمک و موافقت یا افلا سکوت و عدم مخالفت روسیه بودند . این نوع مداخله‌ها در امور داخلی يك دولت بهیچوجه با قواعد و حقوق بین المللی تطبیق نمیشود. واقعاً چه ضرری ممکن بوده است بمنافع واقعی دول اروپائی در ایران - نه « منافع خصوصی » بمعنی اخصی که آن دول برای خود فرض میکردند. برسد از اینکه مطالبات آنها یا کمکهای مالی که از طرف دولت ایران بمؤسسه‌های آنها میشد توسط شوستر، مر ناردیاد دیگری پرداخته شود ؟ ... در مقابل این مشاهدات انسان مجبور بتصدیق است از این که حقیقهٔ بنا بقیدهٔ بعضی از علمای علم حقوق يك حقوق بین الملل آسیائی و دیگر امریکائی یا افریقائی وجود دارد و میتوان با این عقیده عمومیت داد و گفت که يك « حقوق بین الملل » ملل ضعیفه و دیگری « حقوق بین الملل » دول قویه مبنای روابط بین المللی است . یکی از نویسندگان فرانسوی در خصوص این بهانه گیری های

دیپلماسی در سال ۱۹۱۱ چنین مینویسد :

« دیده میشود که تا چه اندازه دقتهای سیاست اروپائی کار حکومت ایران را مشکل میکند : اگر بحکم احتیاط اقدامی نکند نسبت عدم فعالیت باومی دهند و اگر بخواهد قدمی بجلو بردارد چوب دردست و پایش میاندازند . خلاصه گویا از او متوقعند همه کاری بکند بدون اینکه هیچ کار کرده باشد ! »

خلاصه روسها شدیداً با نظریات و عملیات اصلاحی شوستر در مالیه ایران مخالفت نمودند و کم کم بین آنها و خزانه دار امریکائی

ایران روابط شکر آب شد و قضایائی راجع به میجر استکس انگلیسی و خانه های شعاع السلطنه ولکفریکنفر انگلیسی مستخدم ایران پیش آمد که برای رعایت اختصار از تشریح آنها صرف نظر میشود. این قضایا و کشاکشها منجر بالتیماتومهای پیاپی و شدید از طرف روسیه بحکومت ایران گردید.



اولتیماتومهای روسیه در یازدهم نوامبر ۱۹۱۱ سفارت روس منظورهای خود را بشکل يك التیماتوم و قطع روابط با اتمام حجت ۸ ساعتی بوزارت خارجه فرستاد و تهدید کرد که در صورت عدم موافقت با آن روابط دیپلماسی قطع خواهد گردید. کابینه ایران با حکومت انگلیس در این موضوع مشورت نمود.

سراداردگری وزیر خارجه بریطانی قبول اتمام حجت روس را بدولت ایران توصیه کرد.

ممهدا حکومت طهران حاضر نگردید دعاوی روسیه را پیش از تحقیقات کامل و بیطرفانه بپذیرد. بالنتیجه سفارت روس قطع روابط دیپلماسی را اعلام نمود و اضافه کرد که دسته جات قشون روسی مأمور ورود بخاک ایران شده اند. در این موقع حکومت ایران از دولت انگلیس تقاضای وساطت نمود، اما نتیجه نبخشید. کابینه طهران استعفاء داد و حکومت جدید التیماتوم روس را پذیرفت (۲۴ نوامبر) معذرت هائی که سفارت روس از ایران تقاضا داشت تقدیم گردید. اما در حقیقت روسها خوشنود و قانع نشدند بلکه خوشتر داشتند بهانه ای بدست آورده تمام شمال و پای تخت ایران را تصرف نمایند. سفیر روس این معنی را در ضمن جواب عذر خواهیهای رسمی وزیر خارجه ایران رسانیده است.

وزیر مختار روس بیان کرده بود که رضایت ایران بدرخواستهای اولین اولتیماتوم مورد قبول حکومت امپراطوری واقع شده ، اما باو دستور رسیده است که دولت ایران را از اولتیماتوم جدیدی که در این ضمن تهیه شده آگاه سازد! و بزودی بوعده خود وفا کرد ...

در ۲۹ نوامبر ۱۹۱۱ دومین اتمام حجت حکومت تساری را بمدت ۴۸ ساعت بدولت ایران فرستاد. اولتیماتوم مذکور شامل مواد ذیل بود :

(۱) اخراج شوستر و لکفر
 (۲) تعهد از طرف ایران که هرگز بدون رضایت سفارتین روس و انگلیس اتباع خارجه را بخدمت خود قبول ننماید. این تعهد عطف بماسبق وشامل حال مستخدمینی هم که شوستر بخدمت ایران دعوت کرده بود گردید .

(۳) پرداخت خسارتی که بواسطه فرستادن قشون روس بایران بدولت امپراطوری تعلق گرفته بود. تعیین مقدار و طریق پرداخت آن نیز موکول ببعده شده بود. قبول این شرایط از طرف ایران نه تنها اصلاحات مالی را که شوستر شروع کرده بود معوق بنمود، بلکه يك قسمت عمده استقلال سیاسی ایران را نیز از میان میبرد. بهمین واسطه اولتیماتوم مذکور باعث تشویش و اضطراب گردید. تعطیل عمومی و « بایکوت » امتعه روس اعلان ونمایشهای وطنی شروع شد، حتی واگون شهریرا بتصور اینکه متعلق بروسیه است بایکوت کردند و کسی سوار نمیشد.... نگارنده خود در آن موقع طهران بودم و بجای قند روسی تود خشک و عوض نفت بادکوبه شمع بیه استعمال میکردیم....

خلاصه، غره ماه دسامبر ۱۹۱۱، کمی قبل از انقضای ۴۸ ساعت، کابینه ایران قبول التیماتوم روسها را بمجلس پیشنهاد نمود ، ولی از طرف نمایندگان ملت مورد قبول نداشت. قشون روس بطرف قزوین

پیش آمد و شش روز دیگر بر مدت اولتیماتوم اضافه کردند، اما مجلس در مخالفت خود مقاومت کرد. در این موقع سازانوف وزیر خارجه روس به پاریس آمده بود. در آنجا مذاکراتی بین او، وزیر مختار ایران و بعضی از رجال وزارت خارجه فرانسه در اصلاح امر پیش آمد بدون اینکه نتیجه مهمی گرفته شود.

بالاخره مجلس تعطیل شد و اولتیماتوم را بدون هیچ تغییری حکومت ایران خود سرانه قبول کرد و غائله مرتفع گردید.



دولت انگلیس با کمال خونسردی رقیب را

تماشا مینمود که چگونه طعمه را عقاب وار زیر

چنگال خود پایمال میکند! وزیر

خارجه روس بهمکار انگلیسی خود

خونسردی

انگلیس

فهمانیده بود که چون دولتمن در سیاست عمومی و برای حفظ «صالح عالم» همقدم کار میکنند نباید که مسئله ایران علت کدورت و تفرقه شود؛ یعنی در حقیقت برای اینکه انگلیس بتواند انتظار مساعدت روسیه را در حل مشکلات اروپا داشته باشد باید سرنوشت ایران را با او گذارد؛ بالخصوص که روسها معتقد بودند اقداماتشان در ایران عاید هر دو دولت میشود و حاضر بودند برادر وار ایران را تقسیم نمایند. ولی یرفسور برون انگلیسی این عقیده را نداشت، زیرا مینویسد: «ما فقط خودمان را مشترکاً مسئول عملیاتی کرده ایم که بی شرافتی برای هر دو تقسیم کنندگان دارد اما فواید مادی برای یکی . . .» علی رغم این عقیده گویا وزارت خارجه انگلیس کاملاً «دلائل» روسیه را می پسندید و حتی در برابر مجلس شورای لندن سعی نمود که عملیات جابرائه روسها را پرده پوشی کند، بطوریکه اظهار داشت تمام درخواست های روس را تصدیق میکند مگر ماده راجع به خسارات را، زیرا این ماده ممکن است قوای ایران را بقسمی فاجع آید

که حکومت طهران نتواند امنیت راههای جنوب را حفظ کند و باین نتیجه تجارت بریطانیا صدمه برسد! ... خود خواهی و منفعت پرستی و خونسردی را نمیتوان بدرجۀ بالاتر رسانید!

بالاخره اتمام حجت روس قبول شد و شوستر از طهران حرکت نمود. بجای اورقیش مرنارد
 نتیجه
 اولتیماتوم
 بلژیکی « موقتاً » خزانه دار کل
 گردید . نتایج قبول اولتیماتوم خیلی وخیم است : اداره مالیه را که شوستر با سرعت منظم کرده بود بزودی توسط دست نشانده روس باز بی نظم گردید . سایر مستشاران خارجی هم باید طرف توجه سفارتین باشند و لهذا در تحت نفوذ آنها هستند . حکومت ایران بکلی مرعوب شده و نمیتواند دیگر در برابر توقعات روسها هیچگونه مقاومتی بنماید

شوستر از حیث فقدان زیردستی سیاسی خیلی طرف انتقاد گردید . در حقیقت او يك اداره کننده خیلی جدی و مرد راست و درستی بود ، اما كاملاً واقف باوضاع سیاسی ایران نبود و موانع خصوصی را که در این مملکت در جلو او بود کاملاً نمیشناخت ، یاشاید چون خیلی آدم جدی و فعالی بود مثل همه اشخاص خیلی فعال اصلاً مانع را اهمیتی نمیگذاشت و میتوان گفت که همان حسن او باعث نقصش بود . بهر حال گمان میکنم که حتی اگر طور دیگر رفتار کرده بود شاید خود را از این پیش آمد خشونت آمیز نجات میداد اما نه ایران را . دسائس زیادی که ماهرانه از طرف روسها بر خلاف ایران بکار برده شده بود نشان میداد که بهر بهانه باشد تنظیمات شروع شده معوق می ماند .

روسها میخواستند بکلی مشروطه را در ایران معدوم نمایند و این مسئله بطور صراحت از بیانات رجال سیاسی آنها نمایان است

از آنجمله وزیر مختار روس مقیم طهران بحکومت متبوعه خود در ضمن تلگرافی مطالب ذیل را بیان میکند :

« حتی اگر حکومت ایران رضایت خاطر مارا بواسطه قبول تام و تمام و اولتیماتوم فراهم آورد معیناً ما باید ازیشرفت قشون خود استفاده کرده منافع آتیه خود را در روابط آینده با ایران تأمین نمایم مجلس و « رژیم » حاضر (مشروطه) بواسطه مخالفت با طرح استقراض از روسیه که بوسائل دیپلماسی حل شده بود هیچ جای امیدی باقی نیکندارند . . . و اخراج شوستر باید توأم باشد با تغییر حکومت . . . بعد از این حادثه در ایران حکومتی لازم است که دست و مساعد از برای تصفیه نمودن تمام مسائل جاریه موافق مصالح روسیه باشد » (۱)



یکی از نتایج فوری قبول اولتیماتوم دخول فاتحانه مرنارد معروف است در اداره خزانه داری. این شخص بکلی طرفدار منافع خارجی بوده و ترقیات او در ایران بواسطه مساعدت روسهاست. روزنامه « پال مال گزت » منطبعه لندن مورخه چهارم ژانویه ۱۹۱۲ مخصوصاً این نکته را یاد آوری کرده و مینویسد : « جامعه تجارته انگلیس خواه در ایران و خواه در انگلستان مخالف با انتخاب مرنارد است و حکومت ایران هم رسماً اعتراض کرده است ، اما این اراده روسیه است و سراداردگری که مصمم شده بهر قیمت است باز روسیه موافقت نماید جوابی بهتر از آمین گفتن در برابر درخواست روس پیدا نخواهد کرد. » خلاصه تعیین مرنارد بسمت خزانه داری کل فتح درخشانی برای دیپلماسی روسیه در مقابل انگلیس بود. اما از برای ایران معلوم است مستشارهای جدید او که میباید « با رضایت سفارتین تعیین شوند » چه نوع مستخدمینی خواهند بود ! خوب میشود فهمید که روابط چنین مستخدمینی نسبت باستخدام کنندگان چه نحو است و تا چه پایه این « مخلوقها » و دست نشاندهای روس نسبت به ولی نعمت خود باید مطیع باشند!

دکتر افشار

بقیه دارد